شناسنامه

اسامی شهروندان مقیم در جزیره نوجوان به ترتیب تاریخ ورود به جزیره و صدور ویزای شهروندی:
حسین شکیب‌راد، زهرا قربانی، سید سپهر جمعه‌زاده، عطیه ضرابی، امیرحسین علی نیافر، فاطمه کریمی، محمد طائب، محمد کفیلی، امیرعلی حبیبی، مینو آقایی‌نژاد، معین‌الدین هاشمی و زهرا عزیزی. با تشکر از گروه امداد جزیره محمد لوری، احسان نوری نجفی و محمد صادق باطنی.

جمال‌الدین

آن همدم نسیم وصال، آن محرم حریم جمال، آن مقتدای صدر طریقت، آن رهنمای راه حقیقت، آن صاحب نشریه عروه‌الوثقی، آن امین فقها، آن متولد همدان، آن دانش‌آموز عرفان، آن سفیر آزادی، شاگرد شیخ انصاری، الشیخ سید جمال‌الدین اسدآبادی ـ علیه‌الرحمه ـ از آن مردم بود که هرجا بود دهان استعمار را کاهگل می‌گرفت.

مورخان آورده‌اند که شیخ جمال‌الدین در دفاع از مظلوم میان چشم‌ها فرق نمی‌گذاشت. برخلاف بعضی که امروز به خاک‌وخون کشیدن هزاران کودک از چشم‌شان می‌گذرد و چکیدن قطره‌ای اشک از چشمان آبی سربازی جریحه‌دارشان می‌کند. برای جمال‌الدین مظلوم، مظلوم بود. چه در هند چه در افغانستان و چه در مصر و چه در کشورش ایران.

مانند بسیاری از آدم‌معروف‌ها، از پنج‌سالگی فراگیری دانش را نزد پدر آغاز و با قرآن و کتاب‌های فارسی و قواعد عربی آشنا گردید و برای ادامه تحصیل به شهرستان قزوین و سپس به تهران عزیمت کرد و در سال ۱۲۲۸ شمسی، عازم نجف شد تا استاد ببیند. استاد را که دید، استاد به او گفت: «برو هندوستان!» جمال‌الدین چون طاووس می‌خواست رفت که جور هندوستان کشد!

در هند پی طاووس رفته بود که دید انگلیس خبیث طبق معمول دارد در تاریخ استعمار می‌کند و سرپا دشاهان شیره می‌مالد و درباریان را می‌دوشد! لذا کوشش کرد تا مردم و به‌ویژه مسلمانان را علیه استعمار انگلیس بسیج کند و به مبارزه وادارد. منتها از آنجا که همیشه ما مظلومیم و به علت این‌که این انگلیسی‌ها از خر شیطان پیاده نمی‌شدند، پس از یک‌سال‌ونیم اقامت در آن دیار، مجبور به ترک آنجا شد و به ممالک عثمانی رفت. علمای دربار عثمانی به‌جای این‌که شیخ رنج‌دیده را تحویل بگیرند و حلواحلوایش کنند، به او حسادت کردند و این شد که آسد جمال‌الدین پاشد رفت مصر!

در مصر هم ولکن انگلیسی‌ها و استعمارشان نبود و توانست یک نهضت فکری ضداستعمار و ضدانگلیس را پایه‌گذاری کند و تشکیلاتی به‌نام انجمن مخفی به‌وجود آورد. انجمن مخفی همیشه کارهای مخفی می‌کرد! در این اثنا انگلیسی‌ها نیز ول‌کن شیخ نبودند و بر این اثر او مجبور به ترک مصر شد. البته این حرکت فکری توسط شاگردانش ازجمله شیخ محمد عبده دنبال شد و در سال‌های بعد زمینه‌ساز قیام مردم مصر علیه استعمار انگلستان گردید.

سید جمال پس از ترک مصر، برای مقصد بعد اروپا را انتخاب کرد. در پاریس با همکاری محمد عبده دست به انتشار روزنامه عروه‌الوثقی زد و به پاسخگویی به ارنست رنان که مقالاتی علیه اسلام در یکی از روزنامه‌های پاریس می‌نوشت پرداخت و توانست دهان آن یاوه‌گو را ببندوزد!

بعد از آن واقعه سید به دعوت ناصرالدین شاه به ایران آمد. گمان می‌کرد که می‌تواند با نزدیکی به شاه اندیشه‌های خیرخواهانه خود را به اجرا بگذارد، اما چون ماهیت و طبع شاهانه با هیچ اصلاحی موافق نبود و سید نیز آشکارا شاه را عامل بدبختی‌های مردم ایران معرفی می‌کرد، از ایران اخراج شد. شاهان قاجار کلا بالاخانه را اجاره داده بودند!

آقای اسدآبادی وقتی برای دومین‌بار به ایران آمد، به



آستانه حضرت عبدالعظیم‌الحسنی(ع) در شهرری تبعید شد و در آنجا علی‌رغم کنترل مأموران مبادرت به تشکیل جلسات مختلف کرد و مردم را به قیام علیه بیدادگری‌های شاه تشویق می‌کرد و شاه نیز که وجود او را در ایران به زیان خود می‌دید، دستور داد مجددا او را درحالی‌که به‌شدت بیمار بود، از ایران اخراج کنند.

سید جمال پس از اخراج از ایران وارد بصره، و در آنجا با همکاری یکی از مجتهدین و رهبران قیام مردمی، نامه‌ای به میرزای شیرازی بزرگ می‌نویسند و در این نامه ظلم‌های فراوان شاه به مردم ایران را متذکر می‌شوند. برخی تاریخ‌نویسان معتقدند که این نامه سید جمال در صدور فتوای مشهور تحریم تنباکو از جانب میرزای شیرازی و قیام حاصله از آن، تأثیر بسزایی داشته است.

او برای علما و محافل فرهنگی سایر شهرهای بزرگ عراق، به‌ویژه نجف و کربلا، شخصیتی شناخته‌شده بود. همه او را به عنوان رهبر حرکت «تجدید در اسلام» می‌شناختند و این شناخت را از طریق روزنامه عروه‌الوثقی و مجله قانون که در لندن به زبان فارسی منتشر می‌شد و سید نیز در نشر آن سهیم بود، کسب‌کرده بودند.

سید در اواخر عمر در ترکیه زندگی، و غیرمستقیم تحت‌نظر سلطان عبدالحمید، امپراتور عثمانی قرار داشت. وقتی خبر قتل ناصرالدین‌شاه توسط میرزارضا کرمانی به اسلامبول رسید، به دستور امپراتور عثمانی، از بیشتر ایرانیان درباره ارتباط سید جمال و میرزارضا تحقیق به عمل آمد و سرانجام پلیس عثمانی طی گزارشی نوشت: «سید جمال‌الدین ایرانی است و میرزارضا به تحریک او مرتکب قتل شاه شده است.»

سلطان عثمانی از سید جمال در هراس افتاد و دستور قتل او را داد و سرانجام در ۱۹ اسفند ۱۲۷۵ برابر با ۹ مارس ۱۸۹۷، او را مسموم ساختند و پیکر او را در قبرستان مشایخ اسلامبول به خاک سپردند.

در سال ۱۳۲۴ شمسی، فیض محمدخان، سفیر وقت دولت افغانستان در آنکارا موافقت دولت ترکیه را برای نبش قبر سید به دست‌آورد و بقایای جسد سید را در تابوتی به کابل انتقال داد.



سیدسپهر جمعه‌زاده

عکس بی‌قاب



هر شماره یک عکس اینجا می‌گذاریم و شما می‌توانید شعر، جمله یا هر چیزی که در مورد آن به ذهن‌تان می‌رسد برای ما ارسال کنید. بهترین عبارات در شماره بعدی ضمیمه به اسم خودتان چاپ می‌شود.

جام جم آنلاین
آنلاین بخوانید، آنلاین دیده شوید
جدیدترین اخبار ایران و جهان
ورزشی. سیاسی. اقتصادی و حوادث
ارتباط با واحد بازرگانی سایت جام‌جم آنلاین
۰۲۱-۴۹۱۰۵۰۱۰

برگ سبز(سند) سند محضری برگ کمپانی (فاکتور فروش) کارت ماشین و کارت سوخت خودروی **پژو ۲۰۷ اتوماتیک** مدل ۱۳۹۹ رنگ **سفید** شماره موتور **177B0043149** و شماره شاسی **NAAR13FE6LJ090674** و شماره پلاک ۱۳م۴۹۳- **ایران ۵۴** به نام **ریحان مدهونی** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی خودرو **سایپا** مدل ۱۳۹۰ به رنگ **سفید** شماره انتظامی **ایران ۱۳ ۱۱۴ی۲۲** شماره موتور **4267791** و شماره شاسی **S3412290981371** به‌نام **محمد مهر پویا** مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز و کارت خودرو سواری **پژو آر دی آی ۱۶۰۰** مدل ۱۳۸۴ به رنگ **یشمی روغنی** شماره انتظامی **ایران ۵۳-۵۲۵ د ۱۹** شماره موتور **11784052749** شماره شاسی **13455483** به‌نام **حمید جانقربان** مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز و سند کمپانی **موتورسیکلت دایچی۱۳۵cc** مدل ۱۳۸۹ به رنگ **نقره‌ای** شماره انتظامی **ایران ۶۲۴ ۶۳۲۳۶** شماره موتور **161FMJ*19792** شماره شاسی **N2G***135D8910231** به‌نام **میلاد فلسفیون** مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.